

رسول جعفریان

# نسخه خوانی (۱۲)

۸۵-۱۰۱

رسول جعفریان

**چکیده:** نویسنده در نوشتار حاضر در قالب دوازدهمین سلسله انتشارات با عنوان نسخه خوانی، متن چند نسخه را مورد مذاقه قرار داده است. این متون بدین شرح اند:

- شعری از «مشتري» در تعريف قم و مدح حضرت معصومه عليها السلام
- ماده تاريخ مسجد گلشن استرآباد از ۱۲۴۹ق
- كتاب‌هاى وقفى از قزوین بیرون نرود
- چند یادداشت تاریخی از یک مجموعه تاریخی با ارزش از قرن دهم
- چند یادداشت پشت نسخه‌ای درباره زلزله
- شمارش دقیق اسبان دربار شاه عباس دوم
- در قرن دهم ساکنان سرزمین عثمانی درباره آخرالزمان چطور می‌اندیشیدند؟
- خرید کتاب نه‌ایه ابن اثیر در سال ۱۰۸۴ به قیمت دو هزار و پانصد دینار
- وقف نامه سلطانی برای شرح اصول کافی از کتب موقوفه مدرسه چهارباغ اصفهان

**کلیدواژه:** نسخه خوانی، نسخه خطی، خوانش متون.

## Skimming Manuscript (12)

By: Rasool Ja'fariān

**Abstract:** In the form of the twelfth article of a series of publications titled “Skimming Manuscripts”, the author has scrutinized the texts of several manuscripts. These texts are as follow:

- One of Maserri's poems which is in praise of Qom and Hazrat-e Ma'sumeh
- A Chronogram of Golshan Mosque in Eštarābād, left from 1249 AH.
- Endowed books should not go out of Qazvin.
- Some valuable notes from a precious historical collection left from 10<sup>th</sup> century.
- Some notes about earthquake, written behind the manuscripts.
- The precise counting of the horses of the court of Shah Abbas II
- How did the inhabitants of the Ottoman lands think of the Apocalypse in the 10th century?
- Purchasing Ibn Athīr's *Nahāyat* for two thousands and five hundred dinars in 1084 AH.
- Soltāni's *Waqf-nāme* for *Sharh-e Osool-e Kāfi*, one of the endowed books in Chahār Bāq School in Isfahan.

**Key words:** Skimming manuscripts, manuscript, reading the texts.

## قراءات في المخطوطات (۱۲)

رسول جعفریان

يقدم الكاتب في مقاله الحالي - الذي يمثل الحلقة الثانية عشرة من سلسلة مقالاته عن المخطوطات - نصوص عدد من النسخ مع ملاحظاته النقدية عليها.

والنصوص هي:

- ۱ - أبيات شعرية للشاعر (مشتري) في بيان فضائل مدينة قم ومدح السيدة المعصومة عليها السلام.
- ۲ - مادة تاريخ مسجد گلشن في مدينة استرآباد الذي يعود تاريخه لسنة ۱۲۴۹ هـ.
- ۳ - الكتب الوقفية التي لا يجوز إخراجها من مدينة قزوین.
- ۴ - بعض الخواطر التاريخية من إحدى المجموعات التاريخية القيمة من القرن العاشر.
- ۵ - بعض الملاحظات في الصفحات الخلفية من إحدى المخطوطات حول الزلزلة.
- ۶ - الإحصاء الدقيق لحیول بلاط الشاه عباس الثاني.
- ۷ - ما هي تصورات القاطنين في البلدان العثمانية في القرن العاشر حول فترة آخرالزمان؟
- ۸ - شراء كتاب النهاية لابن الأثير بقيمة ألفان وخمسمائة دینار في سنة ۱۰۸۴.
- ۹ - وثيقة وقف سلطانية لكتاب شرح أصول الكافي أحد الكتب الموقوفة في مدرسة چهارباغ بمدينة اصفهان.

المفردات الأساسية: مطالعة المخطوطات، المخطوطة، قراءة النصوص.

## نسخه خوانی ۱۲

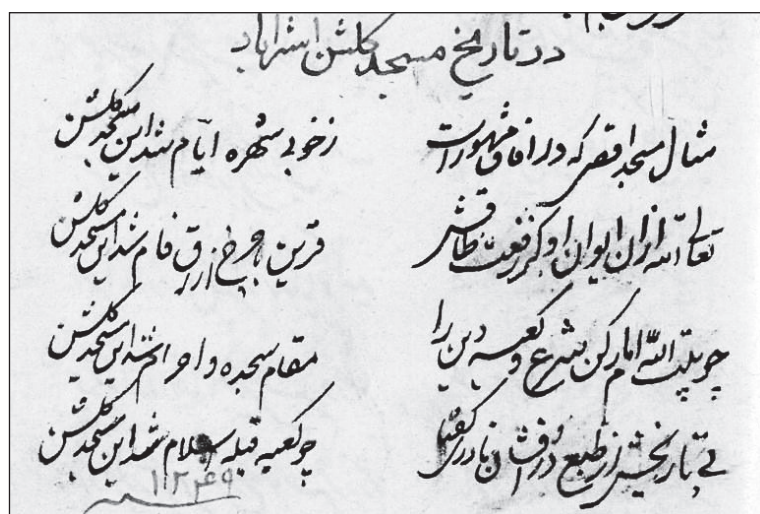
### شعری از «مشتري» در تعريف قم و مدح حضرت معصومه (عليها السلام)

رسول جعفریان

خوشا هوای خرم شادی فزای قم  
از بهر بار دادن خیل ملک ز عرش  
مگر به چشم دل نظری کن که بنگری  
در باغ خلد فخر کند آدم صفی  
دو مشهد مقدس و قم نور واحدند  
چون قم حریم بانوی حوران جنت است  
خواهی شود فصیح زبانت به نظم و نثر  
گویی سرشته مُشک ختن در هوای قم  
جبریل حاجب است به دولت سرای قم  
عرش خدای در حرم کبریای قم  
از خوبی و طراوت و لطف و صفای قم  
جانم فدای مشهد باد و فدای قم  
زان رو بود چو گلشن مینولقای قم  
ای مشتري بگویی مدیح و ثنای قم

### ماده تاریخ مسجد گلشن استرآباد از ۱۲۴۹ق

مثال مسجد اقصی که در آفاق مشهور است  
تعالی الله از آن ایوان او کز رفعت طاقش  
چو بیت الله امام رکن شرع و کعبه دین را  
پی تاریخش از طبع در افشان نادری گفتا  
ز خوبی شهره ایام شد این مسجد گلشن  
قرین با چرخ ازرق فام شد این مسجد گلشن  
مقام سجده و احرام شد این مسجد گلشن  
چو کعبه قبله اسلام شد این مسجد گلشن



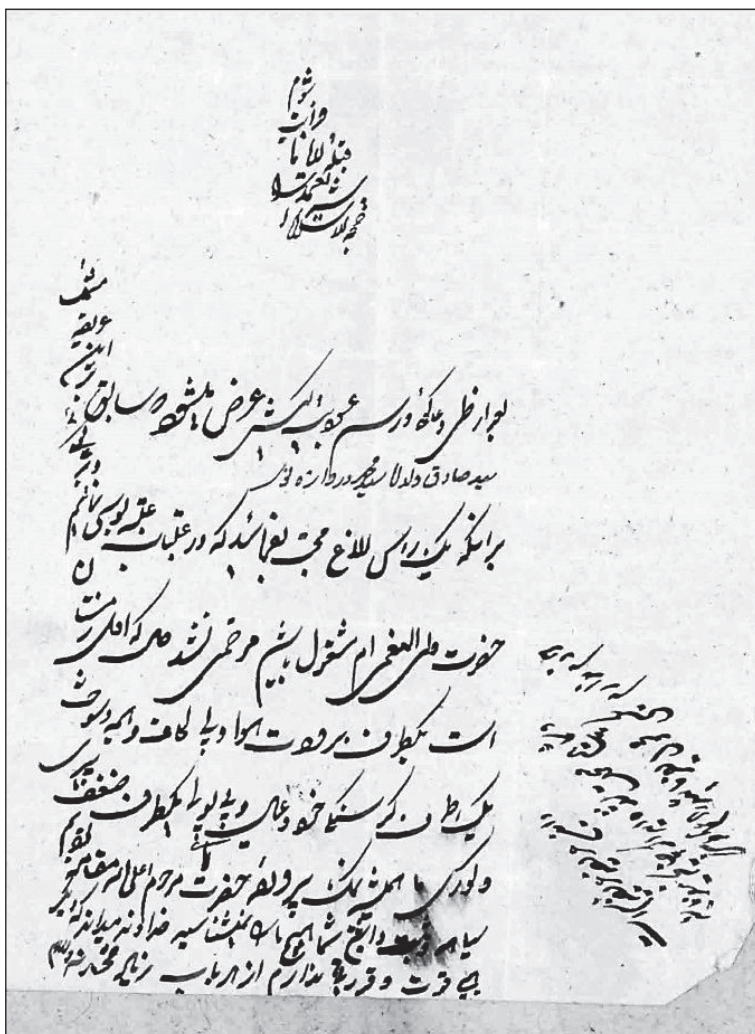
## یک رأس الاغ هم مرحمت نکردید!

حجة الاسلاما، شریعتمدار، قبله الاناما، قربانت شوم

بعد از طی دعاگویی و رسم عبودیت کیش عرض می شود که سابق براین، عریضه ای مشتمل برآن که یک رأس الاغ محبت فرمایید که در عتبات عتبه بوسی نمایم و به دعاگویی حضرت ولی النعمی ام مشغول باشم، مرحمتی نشد. حال که اول زمستان است، یک طرف برودت هوا و بی لحاف و هیمه و سوخت یک طرف، گرسنگی خود و عیال و بی پولی یک طرف، ضعف پیری و کوری. ما همیشه نمک پرورده حضرت مرحوم اعلی الله مقامه بودیم، سیاه و ثبت داشتیم. شما هیچ ما را نمی شناسید. خداوند می داند که دیگر هیچ قوت و قدرتی ندارم از هرباب زیاد... [زحمت؟] نه و السلام

و این عریضه، عریضه سیم است و شما هیچ متحمل نشده اید. اگر چنانچه می فرمایید خودم ندارم به کسی محول بفرمایید.

(بعد از سطر دوم، بین دو سطر آمده: سید صادق ولد آقا سید محمد دروازه نوی)



## کتاب‌های وقفی از قزوین بیرون نرود

وقف نامه زیرروی نسخه‌ای از صومیه شیخ بهاء‌الدین و ترجمه الصلوة ملاعلی گیلانی به عربی نوشته شده است. براساس این شرح، حاجی محمد زمان در حین مراجعت از مکه آثارش را وقف کرده و برادرش حاجی محمدرحیم که محتملاً همراهِ او بوده بر این امرگواهی داده و والده او شهربانو خانم و همسرش زبینه بیگم که تنها وارثش بوده‌اند، این گواهی کرده‌اند. به این ترتیب کتاب‌ها وقف شده، برادر واقف و ابن عم او متولی شده و مقرر شده است تا کتاب‌ها از قزوین بیرون نرفته و برای بیش از شش ماه نیز به امانت داده نشود، مگر باز متولی اجازه دهد. وقف نامه از سال ۱۱۱۱ هجری است.

### هو الواقف بالضمایر و السرایر

غرض از تسوید چهره این بیاض آنکه چون عزّت و مکرمت شعار توفیق آثار، حاج الحرمین الشریفین حاجی محمدرحیم، ولد مغفرت مآب حاجی محمد صالح تاجر قزوینی مدّعی بود که برادرم مرحمت پناه حاجی محمد زمان در حین مراجعت از سفر خیراثر مکه معظمه. زاده‌ها الله شرفا و تعظیما. کتب خود را که از آن جمله این مجلد است، و عدد و تفصیلش در نوشته‌ای علی جدّه مشروحاً قلمی گردیده، وقف نموده، فبناءً علیه و رعایة لغایبة الاحتیاط، والده اش عصمت نسا خدات دستگاه شهربانو خانم، و زوجه اش عفت مآب محترمه مخدره زبینه بیگم نیز که وارث شرعی مغفور مذکورند، لاغیر، تنفیذ و امضا، وقفیت همگی نمودند؛ مشروط بر آنکه تولیت آنها با حاجی مشارالیه و با ابن عمش، حمیده اطوار تأیید آثار زائر بیت الله الحرام و الرکن و المقام حاجی محمد رفیع، و بعدهما با ارشد اولاد ذکور ایشان بوده باشد.

و متولیان کسی را که امین و محل اعتماد و متّصف به صفت صلاح و سداد دانند، از جانب خود نایب ضابط کتب موقوفه گردانند که به هر کس دهد، قبض مدت شش ماه بگیرد، و شرط نماید که زیاده بر آنقدر نگاه ندارند مگر به اذن [متولی] و اگر پیش از مدت مذکوره مهم سازی کرده باشند قبض خود را گرفته تسلیم نمایند.

و از دارالسلطنه قزوین که بلد واقف است. طاب ثراه. بیرون نبرند.

و در حضانتش کمال احتیاط مرعی دارند.

و ثواب آن را به روح با فتوح واقف مبرور مزبور هدیه نمایند.

و خلاف شرط وقف به عمل نیاورند.

وقفا صحیحاً دائماً موبدا بحیث لایباع و لایوهب و لایورث الی ان یرث الله الارض و من علیها و هوخیر الوارثین. فمن بدله بعد ما سمعه فائما اثمّه علی الذین یبدلونه،

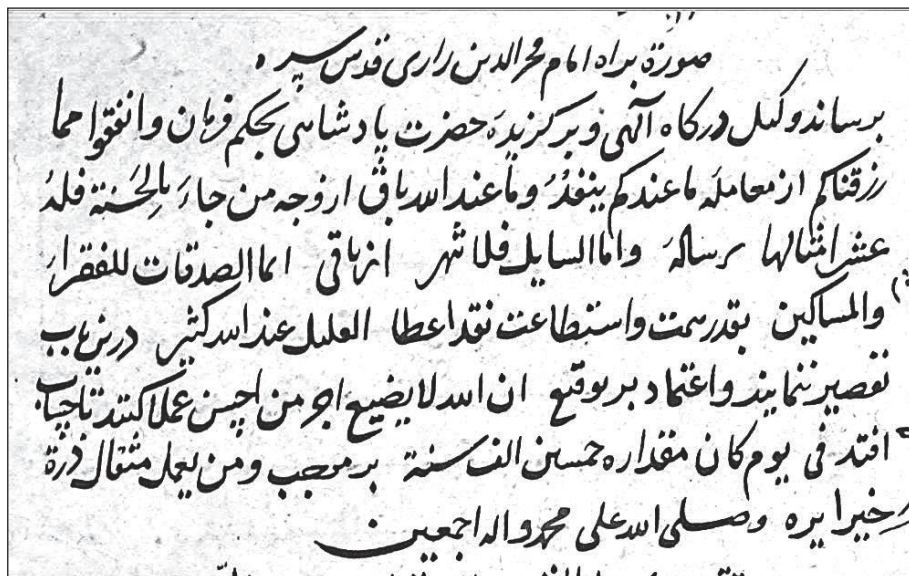
و کان ذلک اواسط شهر شعبان المعظم من شهر سنه احد عشر و مائة و الف الهجرية سنة ۱۱۱۱.



هو الواقف بالضمایر و اسرار  
 عویضه بشهر بهاء الدین و زوجه القدره  
 غرض از نویسد چهره این بیاض آنکه چون غایت مکرر است رتوفیق آثار حاج الحرمین شریفین حاج محمد  
 ولد مخیر تاج حاجی محمد صالح باجو فریونی مدعی بود که برادر م حجت پناه حاجی محمد زمان در حسین  
 مر اجبت از سفر نیز از شکره حظیر ادا با الله شرفا و تعظیما کتب خود را که از جمله آن این مجلد است  
 و عدد و تقصیدش در نوشته علی بن محمد و حاکم کرده و وقف نموده فقید علیه و رعایه افتاد  
 الا احتیاط والده اش عین است. نذارت است گاه شهر با نوزخا نم و زوجه اش عقیما  
 شکره مخیره زینبند که یکم نیز که و ارث شرعی مغفورند که نذلا غیر تقید و امضا. نسبت علی  
 نمودند مشروط بر آنکه تولیت آنها با حاج شمس الیه و با این شمس حمیده اطوار تا بعد از  
 زاری بیت الله الحرام و الرکن و المقام حاجی محمد منیع و بعد با ارشاد اولاد و کوه  
 ایشان بوده باشد و متولیان کمر را که امین و محل اعتماد و متصرف بصف صلاح و صدا  
 دانند از جانب فقید نایب ضابط کتب موقوفه کرده اند که بهر کس در قبض مدت شش  
 بگیرد و شرط نماید که زیاده بر آن قدر نگاه ندارند مگر باذن حاجی و اگر پیش از مدت مذکور  
 همساری کرده باشند قبض خود را گرفته تسلیم نمایند و از دست سلطه فریون کمال  
 و هفت طاب شراه بیرون نبرند و در حضانتش کمال احتیاط عمل دارند و ثواب زیاده  
 بافتوح و وقف بر و زمر بوبر بدیه نمایند و خلافت و وقف بعمل نیارند و قضا صحیح ادا  
 مؤبد بحیث لا یباع و لا یوهب و لا یورث الی ان یرث الله الارض و من علیها و من غیر الوالد  
 فمن بعد ما سمعوا فاما الله علی الذین یدلون و کان ذلک او اسما شهر نعمان العظیم  
 سنه ۱۱۱۱ و الف هجریه

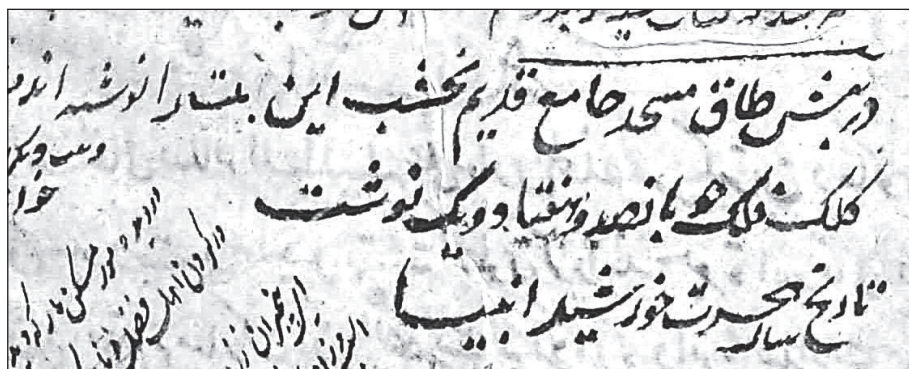


## چند یادداشت تاریخی از یک مجموعه تاریخی با ارزش از قرن دهم



یادداشت یک دیوار نوشته از قرن ششم، در نیمه اول قرن دهم:  
در نیش طاق مسجد جامع قدیم نخشب این بیت را نوشته اند:

کلک فلک چو پانصد و هفتاد و یک نوشت تاریخ سال هجرت خورشید انبیاء

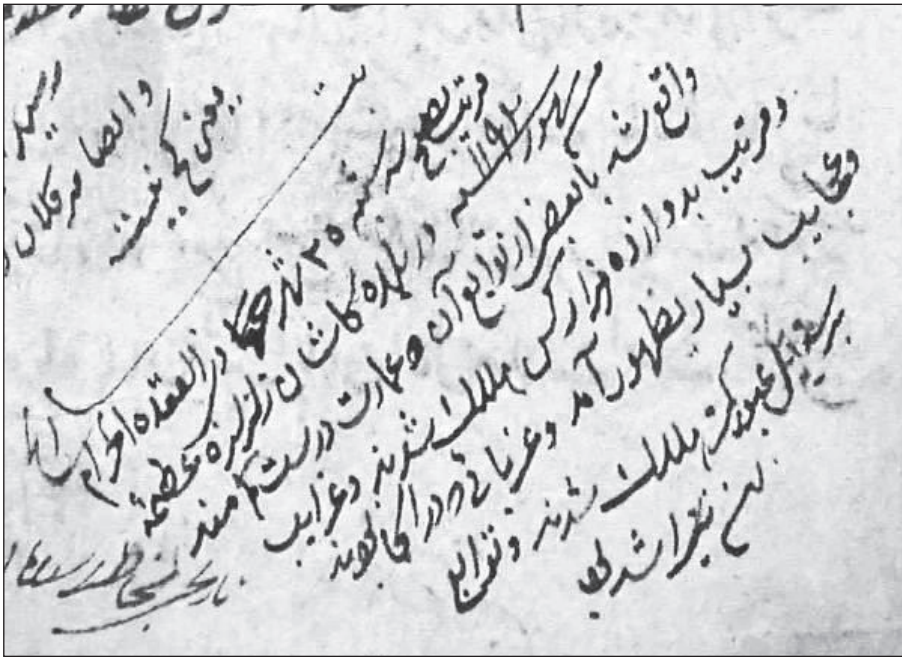


زلزله کاشان در سه شنبه ۲۵ ذی قعدة ۱۱۹۲

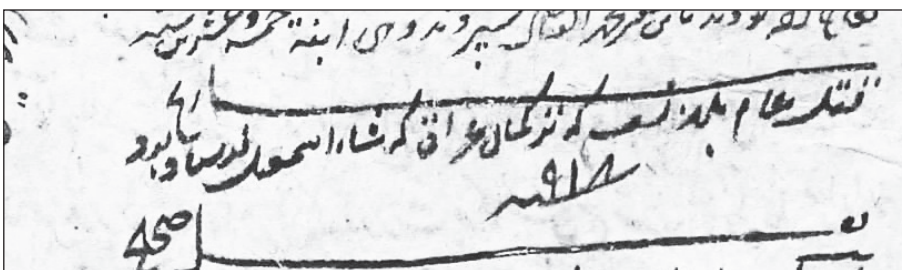
یادداشت مهم ذیل در پشت یک نسخه خطی آمده است: (تصویر آن را ذیلاً ملاحظه فرمایید).  
به تاریخ قریب به صبح سه شنبه ۲۵ شهر ذی القعدة الحرام من شهر سنه ۱۱۹۲ در بلده کاشان زلزله عظیمه واقع شد با بعضی از توابع آن و عمارت درست کم ماند و قریب به دوازده هزار کس هلاک شدند و غریب و عجایب بسیار به ظهور آمد، و غریبائی که در آنجا بودند برسبیل عبور کمتر هلاک شدند و توابع آن نیز باشد بود.

تاریخی به خاطر رسیده از برای زلزله مزبوره: «زلزله عظیمه».

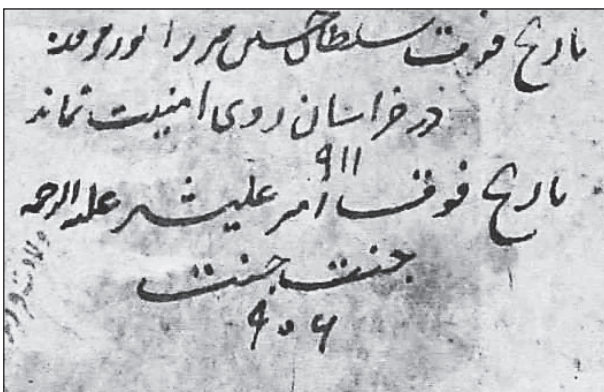




تاریخ قتل عام بلد نسف که ترکمان عراق که شاه اسماعیل فرستاده بود سنه ۹۱۸



تاریخ فوت سلطان حسین میرزا، نور مرقد، در خراسان روی امنیت نماند، ۹۱۱ تاریخ فوت امیر علیشیر علیه الرحمه «جنت جنت» ۹۰۶





## چند یادداشت پشت نسخه‌ای درباره زلزله

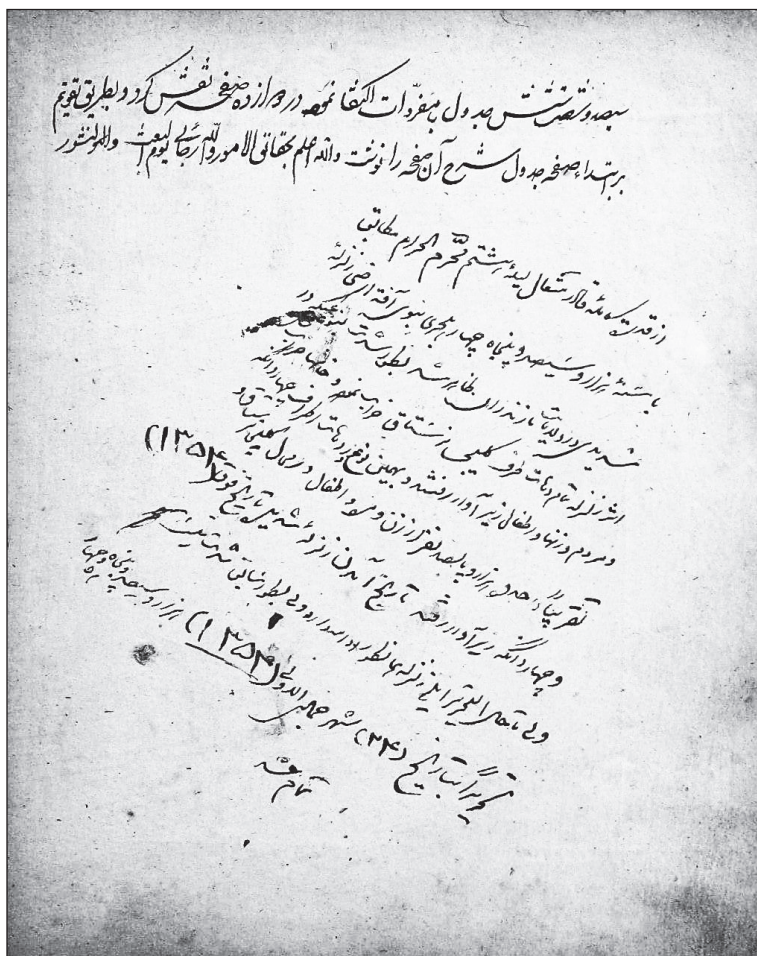
زلزله در کلیجان ساری در سال ۱۳۱۴

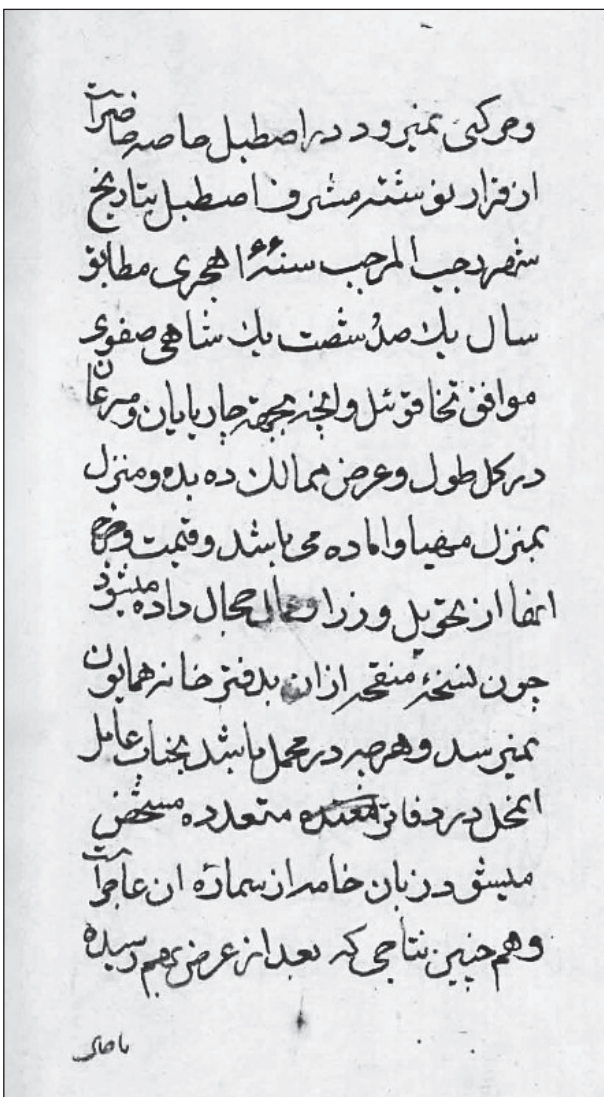
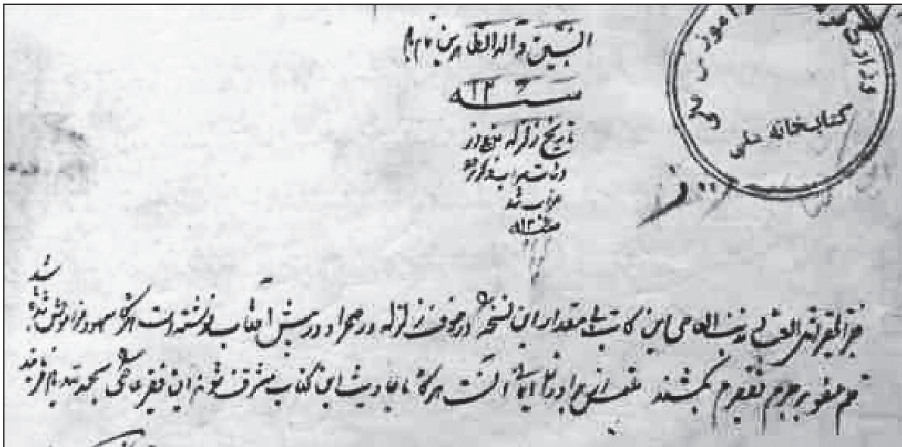
از قدرت کامله قادر متعال، ليله هشتم محرم الحرام مطابق با سنه هزار و سیصد و پنجاه و چهار هجری نبوی، آفت ارضی زلزله شدیدی در ولایات مازندران ظاهر شد، به طور شدت، به نوعی که در اثر زلزله تمام دهات طرف کلیجان رستاق خراب نمود و خانه‌ها خراب و مردم و زنها و اطفال زیر آوار رفتند، و به همین نوع در دهات اطراف چهار دانگه تقریباً حدود هزار و پانصد نفر از زن و مرد و اطفال در محال کلیجان رستاق و چهار دانگه زیر آوار رفتند. تاریخ آمدن زلزله شدیده تاریخ فوق (۱۳۵۴) [۱۳۱۴ ش] ولی تا حال التحریر این زلزله همان طور ادامه دارد، ولی به طور سابق شدت نیست.

تحریراً بتاريخ ۲۴ شهر جمادی الاولی ۱۳۵۴ هزار و سیصد و پنجاه و چهار تمام شد.

ختم کتابت این نسخه از تهذیب در وقتی که (در سال ۱۲۰۶ یا ۱۲۶۰) از خوف زلزله در صحرا بوده است:

فقیر الحقیر اقل العباد مذب العاصی این کاتب بی مقدار این نسخه را از خوف زلزله در صحرا در پیش آفتاب نوشته است. هر گاه معهود! فراموش شده باشد، قلم عفوی جرم فقیرم! بکشند. ملتسم از برادران ایمانی آن است هر گاه به احادیث این کتاب مشرف شوند، این فقیر عاصی را بحمد الله یاد فرمایند. میرزا علی اشرف تاریخ زلزله ...





## شمارش دقیق اسبان دربار شاه عباس دوم

به مناسبت دیدن برخی از فرسنامه‌ها، نسخه‌ای از دوره صفوی (فرسنامه، نسخه مجلس: ۱۶۹۰۱) دیدم که از آغاز ناقص بود، اما حدسم از خاتمه این است که کتاب زاد الراكب و توضیح المراتب بوده و مباحث آن هم طبق معمول درباره اسب و بیماری‌ها و راه‌های علاج است و مسائل دیگر. خاتمه رساله برای شناخت دوره صفوی یکی دو نکته جالب داشت. این نکته‌ها مربوط به تعداد اسب‌ها و مادیان‌های موجود در اصطبل شاهی بود. مع الاسف آن قدر این متن پرغلط است که مجبور شدم برخی از موارد را تصحیح قیاسی کنم تا بشود چیزی از آن فهمید. این نسخه براساس همین خاتمه مربوط به سال ۱۰۶۶ از دوره عباس دوم (۱۰۵۲، ۱۰۷۷) است. نکته جالب این است که وقتی سال ۱۰۶۶ را می‌آورد، قید می‌کند که مصادف است با «سال یک صد و شصت و یک شاهی صفوی».

وی در مقدمه اشاره به گذشته‌ها دارد که سلاطین و حتی سلیمان اسب زیادی نداشتند، اما اکنون ... تعداد اسبان زیاد است. به جز تعدادی که شمرده، به برخی از مسائل اداره آنها، ضبط و ثبت دقیق تعداد اسبان در دفاتر مستوفیان نیز اشاره کرده است. در هر حال نکته‌ای جالب است. چندین کلمه از این چند صفحه قابل خواندن نبود که باید مرا ببخشید. این شما و این هم این متن:

خاتمه در بیان مجملی از اسبان پادشاه و ذکر دیگر ... در مقدمه ... تحصیل زاد الراكب و تفصیل المراتب رقمزد کلک بنیان شد و پیشینیان در این فن تألیفها نموده‌اند، و در شرح نتاج زاد الراكب، و کمیت خامه را به هر سودوانیده و سخنها نگاشته‌اند، همان در ازمنه سابقه که عالم ... به معموری نگرفته‌اند، اگر بسبب ندرت در قبیله‌ای از قبایل عرب اسبی یافت می‌شد، هر طرف از اوصاف شمایلش داستانها پرداخته، و بسا که به پیروی امانت داران روایت این‌گونه اختلاف بر چهره آن سخنان می‌کشیده.

[الحال] المنت لله از شگفتیها به درجه اعلا رسیده، و همتای بلند گرفته، عقول و اوهام را سرستایش این قسم امور نیست. آن روز خیل اسبان حضرت سلیمان را به کثرت می‌ستودند که بعد از قصه فوت نماز موازی یک صد رأس بوده‌اند.

امروز در جمع اسبان پادشاهی بعد از آن که سه عشرات الوف و مأه الوف بخرج رفته باشد، هنوز بقایای آن در اطراف عالم منتشر است. باری، بنا بر پیروی بیشتر و آن لازم شد از ایلخیان سرکار خاصه شریفه که هر یک چون مرغ، نامه خویش تا زاد الراكب بر بال پرواز دارد، مجملی به کمند تحریر آید.

از آنچه مادیان کامل و غیره که محال مناسب از ممالک محروسه به ضبط ایلخیان و سرکردگی امیر آخورباشی صحرا مقرر است، موافق عرض یونت نیل از قرار نوشته کتاب و تصدیق مستوفی ارباب تحاویل، بعد از وضع آنچه انعام داده شده، بیست و نه هزار و هفصد و هفتاد و یک رأس [۲۹۷۷۱ هزار]، و آنچه از ابتدای یونت نیل تا انتهای بیچی نیل به وقف امیر آخورباشی جلو و تصدیق سرکردگان از اساکر [کذا] و قورچیان و غلامان و تفنگ چیان و توپچیان و عمله بیوتات و ارباب قلم و سایر اساکر [کذا] منصوره و ملازمان از مقربان و آقایان و اطبا و منجمان و شعرا و ندما و ارباب طرب سیزده شده، موافق تصدیق دفتر، بیست و یک هزار و هشتصد و نود و هشت رأس [۲۱۸۹۸ هزار].

آنچه بالفعل که ایام اقامتست و احتمال سفر و حرکتی نمی‌رود، و در اصطبل خاصه حاضر است، از قرار نوشته مشرف اصطبل، به تاریخ شهر رجب المرجب سنه ۱۰۶۶ هجری مطابق سال یکصد و شصت و یک



شاهی صفوی موافق تخاقوئیل، و آنچه به جهت چهارپایان و مرغان در کل طول و عرض ممالک ده به ده و منزل به منزل مهیا و آماده می باشد، و قیمت و خرج آنها از تحویل وزراء و عمال حجال [کذا] داده می شود، چون نسخه منقحه از آن به دفترخانه همایون نمی رسد، و هر چه در محل باشد به جناب عامل آن محل در دفاتر متعدده مشخص می شود، زبان خامه از شماره آن عاجز است. و هم چنین نتایج که بعد از عرض بهم رسیده تا حال سال چهارم است، و یحتمل که از اصل بیشتر شده باشد. تمت و السلام.

## در قرن دهم ساکنان سرزمین عثمانی درباره آخرالزمان چطور می اندیشیدند؟

رساله ای درباره دولت عثمانی و جنگ و نبرد آنان با صفویان و قزلباش ها در دست است که به عهد سلطان سلیمان (۹۲۶-۹۷۴) نوشته شده است. خلاصه ای از محتوای این رساله در صفحه اول توسط خواننده ای درج شده است. از این خلاصه می توان اهمیت این کتاب را از یک طرف و درک افکار و اندیشه های رایج در آن دوره را درک کرد. به نظرم خلاصه بسیار عالی است.

در این کتاب آمده است که مهدی هفت سال قبل از دجال ظهور می کند و دجال در سر سال هزار (۱۰۰۰) یا هزار و صد (۱۱۰۰) خروج می کند. قول دوم بر قول اول ترجیح دارد. در این کتاب ثابت می شود که قیامت، حتما قبل از سال هزار نخواهد بود و بعد از سال هزار به مقدار ۳۰۰ سال خواهد بود، اما به ۵۰۰ سال نخواهد رسید. در این کتاب بیان حدیثی خواهد بود که دلالت می کند بر اینکه پادشاهانی از نسل بنی عثمان ظهور کرده، در آخرالزمان صاحب تمام زمین خواهند شد. آنها در آن وقت، یعنی آخرالزمان ۱۵۰ سال در زمین باقی خواهند ماند.

در این کتاب شرح داده شده است که خداوند سلطان سلیمان را بر قزلباش و دیار عجم پیروز کرده، بر آنها غلبه داده و شوکت رافضه را از میان خواهد برد. در این کتاب کفر قزلباش و هر کسی که بر باور آنها باشد ثابت شده و درباره وجوب جنگ با قزلباش و پیروان آنها سخن گفته شده است. اینکه جنگ با آنان بهترین عمل و فریضه عینی است. در این کتاب از وجوب جنگ با هر کسی که قزلباش را یاری می کند سخن گفته شده و به رد رافضه و باطل کردن عقاید آنان پرداخته شده است. در این کتاب درباره پادشاه بزرگی که خداوند برای گروه بنی عثمان مخصوصاً سلطان سلیمان و دولت او مانند وزیر اعظم ابراهیم. کسی که همه عقلا اتفاق بر سیرت نیکوی او و تدبیرش دارند. در نظر گرفته یاد شده است. نیز از لزوم اطاعت از سلطان سلیمان از سوی همه پادشاهان روی زمین و جز آنها یاد شده و درباره ستایش بنی عثمان و پیروان آن سخن به میان آمده است.

الحمد لله الموفق للصواب  
 هذا الكتاب في الفقه المسمى بـ <sup>ابن ابي عمير</sup> مخرج قبل المجلد سبع سنين والدرجال  
 يخرج على راس الالف او راس ما يه بعد الالف ومنه ترجع القول  
 الاخير وفيه اثبات ان الفقه لا تقوم قبل الالف وانما تقوم  
 بعد الالف ما ذكرتم ثلثمائة سنة ولا سلخ الزماده مسمايه سنة  
 وفيه سان الحديث الدال على ان طائيفه مني عثمان ملكون جميع  
 الارض ويكفون في الارض مائة وثمانين سنة وفيه سان انتصار  
 السلطان سليمان نصره الله على قزل باش واخذ بلاد طبرستان وطبرستان  
 وانطال مشوله الراضيه وفيه اثبات كفر قزل باش وطر من موطن  
 بعتره كاعتقاديه وفيه سان وجوب مقابله قزل باش واتباعه  
 وان معاتلم من اعظم القرابت وفيه سان ان مقابله قزل باش من عين  
 وفيه سان وجوب مقابله كل من يناصر وفيه الرد على الراضيه وانطال  
 ما ذهبوا اليه وفيه سان ما اعاد الله لطائفة مني عثمان من الثواب العظم <sup>صا</sup>  
 السلطان سليمان نصره الله واركان دوله كالوزير ال اعظم <sup>اسماعيل</sup>  
 الذي اعوانه على حسن سيرته وتديبه وفيه سان وجوب طاعة السلطان  
 سليمان على جميع ملوك الارض وغيرهم وفيه اشاره الى مدح مني عثمان واسمهم

## خرید کتاب نهایی ابن اثیر در سال ۱۰۸۴ به قیمت دو هزار و پانصد دینار

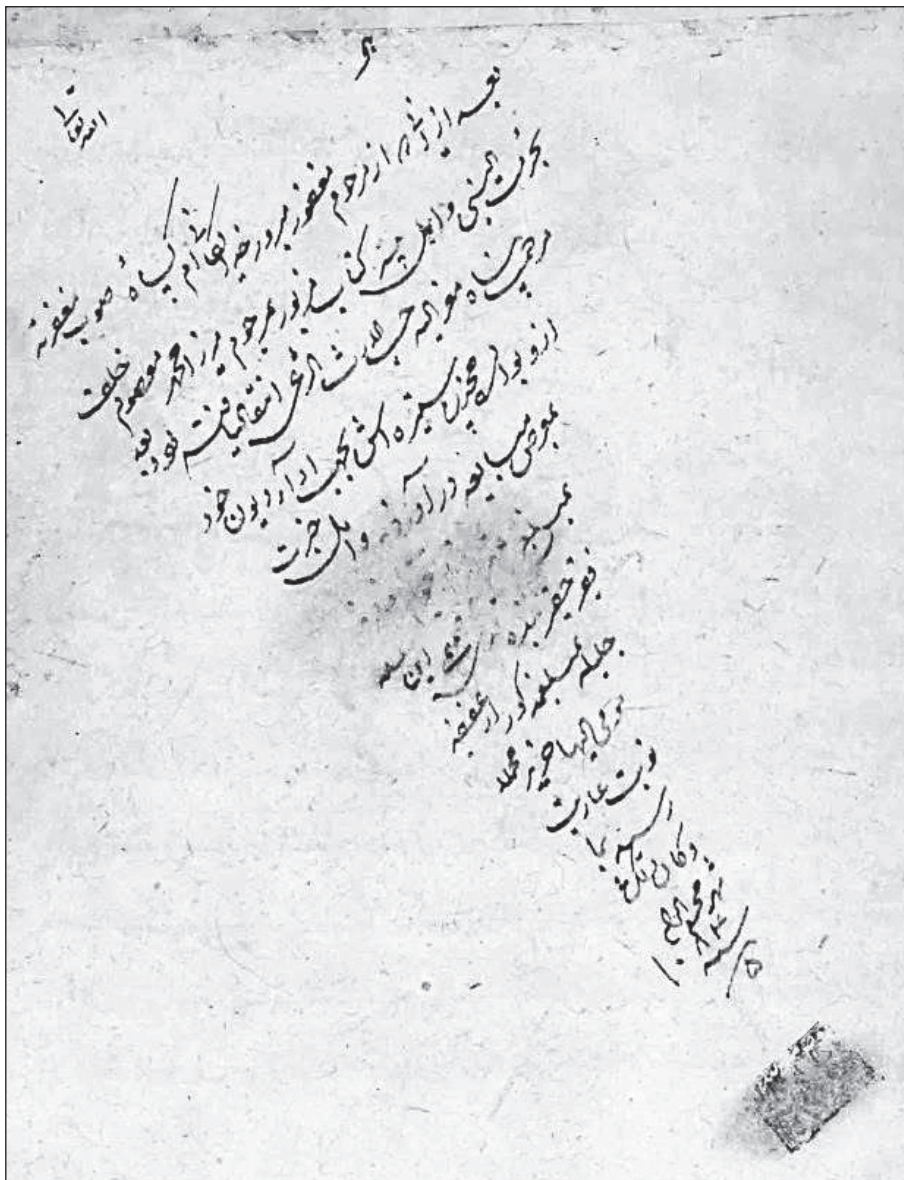
یادداشت پشت نسخه‌ای زیر از کتاب «النهایی فی غریب الحدیث و الآثار» از ابن کثیر که به شماره ۱۵۹۰ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود آمده است. کتاب در اختیار شخصی بوده که نویسنده این خط به او ارا داد داشته و او را «مرحوم مغفور خدایگانی ام» یاد کرده است. در مرحله بعد کتاب یاد شده به ارث به «مرحوم میرزا محمد معصوم» فرزند آن شخص رسیده است. علی القاعده وی زود درگذشته و مادرش کتاب را برای ادای دیون خود به معرض فروش نهاده است. قیمت پاک شده، اما به یمن دقت یکی از دوستان چنین خوانده شد «دو هزار و پانصد دینار». نویسنده ما که خود را فدوی قدیمی این سلسله جلیله معرفی کرده در سنه ۱۰۸۴ آن را خریداری کرده است. البته زیر عدد ۴، عدد ۵ هم نوشته شده است. در همین صفحه یادداشت بلندی بوده که روی آن کاغذی چسبانده شده است، اما بالای آن این نکته به عربی آمده است که قد اشتریناه فی بلدة کرمان شاه سنه ۱۱۳۰ فی العالم الذی حجینا فیه ... با فاصله کنار آن به سیاق آمده است: قیمت بیست تومان ... محتمل است که مربوط به دوره های بعد باشد که یا قیمت کتاب افزایش یافته یا ارزش پول کم شده است.

### الله تعالی

هو

بعد از آنی که از مرحوم مغفور مبرور خدایگانی ام . کساه ثوب بمغفرته بحرمت النبى و اهل بيته . کتاب مزبور به مرحوم ميرزا محمد معصوم خلف مرحمت پناه معزى [اليه حسب الارث الشرعى انتقال یافته بود، و بعد از و به والده مخدره ستيره اش به جهت اداء ديون خود به معرض مبايعه در آوردند و اهل خبرت به مبلغ [دو هزار و پانصد دينار قيمه گذاردند]. فقير حقير بنده فدوى قديمى اين سلسله جليله به مبلغ مذکور از عفيفه مومى اليها خريد، مجملات نوبت عاريت رسيد به ما. و كان ذلك شهر محرم الحرام سنه ۱۰۸۴.

## وقف نامه سلطانی برای شرح اصول کافی از کتب موقوفه مدرسه چهارباغ اصفهان





متن زیر وقف نامه ای است که برای کتاب شرح اصول کافی که در سال ۱۱۲۰ برای کتابخانه مدرسه چهارباغ نوشته شده است. زمانی که این مدرسه آماده بازگشایی شد، شاه سلطان حسین کتابهایی را برای آن وقف کرد که پشت هر یک از آنها وقف نامه ای نوشته شده است. مع الاسف، ۱۵ سال پس از این اصفهان به دست افغانان گرفتار آمد و این کتابخانه هم دچار مشکل شد که شرح آن را باید اهل فن بنویسند. کتاب های کتابخانه مزبور یا بخشی از آن به دلایلی به تهران منتقل شده و اخیراً به کتابخانه ملی رفت! شاید این برخلاف وقف صریح آنها برای مدرسه چهارباغ بود.

عجالتاً نمونه ای از وقف نامه نوشته شده بر روی این کتاب ها در اینجا درج می شود. به جز توضیحات کلی مربوط به وقف، شرایط حفظ کتاب، امانت آن و جنبه های دیگر از قبیل امکان خروج از شهر یا مسائل دیگر در داخل این وقف نامه آمده است.

هر چه هست یک وقف نامه سلطانی و از نظر خط و شیوه نگارش بسیار زیبا و قابل شرح و بسط است. در مواردی به جای الله، فاصله ای گذاشته شده و یک خط قرمز مورب از پایین به بالا کشیده شده است. آیات نیز به رنگ طلایی و برخی از کلمات از جمله نام شاه به رنگ قرمز نوشته شده است.

در بالای صفحه اول الله، اله، الهی، محمد مصطفی، چهارده معصوم و صاحب الزمان آمده است. در انتهای آن مهر شاه سلطان حسین هم زده شده که عالی است.

### بسم الله الرحمن الرحيم

حمدی که واقفان اسرار ملک و ملکوت، و ثنایی که عارفان معالم قدس و جبروت گزارش آن را دیباچه صحایف معرفت و دانایی دانند و ادای آن را مقدمه کتاب فهم و شناسایی خوانند، خداوند علام الغیوب را رواست که آیات وحدت ذات بیچون و آثار قدرت کامله از قیاس بیرون را به بنان قلم کُنْ فیکون بر اوراق لیل و نهار و صفحات اجزای روزگار تحریر و بیان فرمود تا طالبان علوم ربانی و جویندگان معارف ایمانی به کنوز حقایق دانشوری و رموز دقایق هنرپروری راه برده، عالم احکام کتابهای آسمانی و کاشف استار از وجوه الفاظ و معانی گردند،

و رسایل صلوات تامات و مجموعه های تسلیمات نامیات وقف مسکن رسول مبین و صاحب مقام امین و اوصیای گزین و اولاد معصومین او. صلوات الله علیهم اجمعین. را شاید که به تعلیم اصول و فروع دین و ارشاد به حق الیقین صاحبان مدارک و افهام و سالکان مسالک پیروی ائمه انام را به منتهی المطلب فوز ابدی و حیات القلوب سعادت سرمدی رسانیدند و به هدایت کافیه و دلالت وافیه سبق خوانان مدرسه ایجاد و وظیفه خواران زاد معاد را قابل مراتب عالیه ایمان و ساکن حجرات بهشت جاویدان گردانیدند.

اما بعد؛ کشف مضامین صدق مفاد شرح این مقاصد خیر بنیاد است که چون نواب کامیاب خلائق مآب، شاهنشاه دین پناه، ظل المنصور الموبد من عند الله، بانی مبانی شریعت پروری، مشید ازکان معدلت گستری، باسط بساط عدل و داد، ماحی آیات جور و بیداد، بنده خاکسار آستان سید انبیا، چاکر دربار سرور اولیا و اصفیا، خادم عتبات ائمه اثنی عشر، مروج سنن سینه حضرت خیر البشر. علیهم صلوات الله الملک الاکبر. واسطه نظام لیالی و ایام، شیرازه اوراق شهسور و اعوام، گردون رفعتی که عنوان منشور باهرالنور شهریاریش به طغرای غرای «قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء» مطرز و مؤشخ است، آسمان شوکتی که دیباچه فرمان فرمانفرمایی و جهانداریش به سرلوح زیبای «واتیناه ملکا عظیما» مزین و منقش است، صاحب نسب بزرگوار نبوی، فایز حسب با اعتبار علوی، پشت و پناه اهل ایمان، مظهر آثار لطف و احسان، سلطان سلاطین زمان، پادشاه پادشاه نشان، السلطان بن السلطان و الخاقان

بن الخاقان ابوالمظفر ابوالمنصور شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان مدد الله تعالی ظللال معدلته علی مفارق الانام و جعل دولته متصله بدولة المهدي . عليه الصلوة والسلام . پیوسته انتشار قواعد علوم دین مبین و اشتهاش شعایر شرایع ملت مستبین حضرت سید المرسلین علیه افضل صلوات المصلین و تکثیر علمای دین دار و ترفیه طالبان علوم سعادت مدار و تهیئه اسباب تحصیل و تمهید مایحتاج تکمیل آن قوم نبیل را منظور نظر انور کیمیا اثر و مرکوز ضمیر منیر حق پرور عدالت گستر نموده ، و از خالص مال حلال مدرسه عظیم المثل در جنب چهارباغ دارالسلطنه اصفهان . صانها الله تعالی عن طوارق الحدثان . به جهت سکنی و مأوی ایشان ، احداث و بنا فرموده اند و به فضل خالق انام آن نیکو مقام رتبه اتمام یافته ، لهذا از جمله تهیئه اسباب تحصیل آن فریق توفیق نشان ، که تیسیر آنها منظور آن خسرو اهل زمان است ، این مجلد از «شرح کتاب کافی» را با سایر کتبی که در ظهر هر یک وقفیه به همین شرح مرقوم گردیده است ، قرینه الی الله تعالی و طلبا لمرضاته ، وقف صحیح لازم مؤید شرعی و حبس صریح جازم مخلص ملی نمودند .

بر شیعیان اثنی عشریه . کثرهم الله تعالی بین البریه . به این نهج که همیشه در ضبط و تحویل کتابداری که به جهت مدرسه مبارکه مزبوره تعیین می شود بوده ، هر یک از طلبه عظام سکنه مدرسه مذکوره که محتاج به آنها باشند ، به تجویز مدرّس مدرسه مزبوره بگیرند و به قدر احتیاج نگاه داشته از آن منتفع شوند ، و زیاده از قدر احتیاج نگاه ندارند .

و اگر کسی از شیعیان غیر ساکنین آن مدرسه محتاج به آنها باشد و خواهد ، بعد از تجویز مدرّس قبض به مهر مدرس به کتابدار مذکور سپارد و کتاب را گرفته ، به قدر احتیاج نزد خود نگاه داشته از دارالسلطنه اصفهان بیرون نبرد . و اگر مدرس خاطر به او جمع ننماید و مناسب داند ، رهن از او گرفته کتاب را به او دهد .

و هر یک از کتب مزبوره که بردن آن به مشاهد مشرفه به جهت زیارات و سایر اعمال مرغوبه و عبادات مناسب باشد ، اگر کسی خواهد و محل اعتماد مدرس باشد یا رهن دهد ، بعد از تجویز مدرّس و قبض به مهر او ، جایز است که آن کتاب را به موعده معین به نحو مزبور از اصفهان بیرون برد ، و بعد از انتفاع و رفع رجوع باز آورده به کتابدار سپارد .

و به هر تقدیر در محافظت آن از تضييع و تلف ، کمال اهتمام و سعی نمایند .

و مادام که در اصفهان باشد ، هر شش ماه یک مرتبه به نظر مدرس رسانند تا خاطر خود را از وجود و ضایع نشدن آن جمع نماید ، و هرگاه باز خواهند و مدرس اذن جدید دهد ، باز برده به نحو مسطور از آن بهره یاب گردند .

و مدرس مدرسه مبارکه مزبوره در باب منتفع شدن ارباب احتیاج ، بل کافه طلبه علوم و شیعیان از آنها و ضبط از تلف و ضایع شدن نهایت سعی و اهتمام و در هر یک از مراتب مزبوره فوق به لوازم آن قیام نماید .

و اعلی حضرت واقف . حرّسه الله تعالی من جمیع المخاوف . شرط شرعی فرمودند که کتب مزبوره را نخرند و نفروشدند و نبخشند و رهن نمایند و در عرضه زوال و انتقال در نیاورند و جمعی که به جهت انتفاع آنها را نگاه می دارند معطل نگذارند و هرگاه اهل علم از آنها منتفع شوند ، در اوقات شریفه ولینعمت عالمیان و قبله گاه جهانیان را به دعای خیر یاد نمایند .

تغییر دهنده وقف مزبور به لعنت الله و نفرین حضرت رسالت پناهی و ائمه معصومین . صلوات الله علیهم اجمعین گرفتار گردد . «فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یبدلونه ان سمیع علیم» .

واعلی حضرت واقف . جعله الله تعالى امنا من جميع المخاوف و واقفا على سبيل الهدى فى كل المواقف ، ثواب اين وقف را قربة الى الله تعالى هديه نمودند به ارواح مطهره حضرات مقدسات ، سدره مرتبات عرش درجات . عليهم السلام . كه اول ايشان حضرت رسول امين مختار جناب رب العالمين ، مقصود از ايجاد افلاك مخصوص به خطاب لولاك ، خاتم الانبياء . صلى الله عليه وآله وسلم . و آخر ايشان خاتم اوصيا هادى راه هدى به امر خدا غايب ، امر و زمان را صاحب ، امام بحق ، پيشواى مطلق ، حجة الرحمن صلوات الله و سلامه عليه است . و كان تحرير ذلك فى شهر ربيع الثانى من شهر سنة عشرين و مائة بعد الالف من الهجرة المقدسة النبوية على مهاجرها آلاف صلوة و سلام و تحية .

